



دروغنا حج

زرفعی

سنبل

ژندو

Jam monthly

پنج

مطابق نوامبر 2010

عمر 1389

جام

سال سوم

صفحه اول

شماره

وضعیت معارف در غور

مشکلات بیکاری

و حرفوی در غور

گل احمد عثمانی

آنچه به ساختن جوامع سالم، مرفه و متمدن کمک میکند بدون تردید مساعد ساختن زمینه اشتغال و کار برای کافه شهروندان و بالاخص برای اقشار آسیب پذیر جامعه (معلولین، بیوه زنان، اطفال یتیم، خانواده ها و افراد معرض به خطر) میباشد. همواره گفته میشود که عوامل عمده ناامنی ها، خشونت های اجتماعی، فساد و تبااهی جامعه بیکاری میباشد و صدها موسسه و انجوتحت نامهای گوناگون به خاطر فراهم ساختن زمینه کار از طریق ایجاد حرفه و تطبیق پروژه ها در هر نقطه کشور حضور دارند ولی هنوز باگذشت هر روز گراف بیکاری روبه تزاید میرود و درکنار مصرف ملیونها دلار توسط موسسات که ظاهرا هدف شان کاهش فقر و بیکاری میباشد متأسفانه تاکنون فقر، نبود حرفه و بیکاری دامنگیر جامعه مظلوم مامیباشد که دلالت بر بی توجهی و نداشتن استراتژی ها و برنامه های مدون و موثر موسسات مصرف کننده پول در رابطه به مبارزه واقعی مقابل فقر و بیکاری میکند.

تازمانی فقر تعلیمی، فقر اقتصادی و بیکاری از جامعه به شکل واقعی محو و پاکاهش داده نشود توقع داشتن تامین عدالت اجتماعی، صلح و امنیت مفکوره خام خواهد بود. قول معروف است که (به مردم به عوض ماهی دادن ماهی گرفتن آموختانده شود بهتر است) نکته بسیار سنجیده و پرمفهوم است زیرا آموختان حرفه به مردم کمک میکند که تا همیشه بدون محتاجیت کس به میل خود در هر زمان ماهی گرفته یعنی از طریق شغل و حرفه رفع مشکل اقتصادی نماید. باتاسف موسسات خارجی و داخلی طی همین چند سال متداوم به مردم ماهی داده اند و محدوداً طرز و حرفه ماهی گیری را آموختانده اند بدون اساس است که باقطع کمک های مقطعی و بدون تداوم همان بیکاری و فقر دوباره در خانواده ها سایه شوم خود را گسترانده و جامعه را به سوی محرومیت و تبااهی سوق میدهد.

ولایت غور که از جمله ولایات درجه سوم و محروم کشور میباشد که بدون شک چالش های بیکاری، فقر و نبود حرفه درکنار سایر مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نسبت به سایر ولایات به مراتب در اینجا زیادتر است. چنانچه در سطح ولایت غور بطور عموم به تعداد (50) پروژه حرفوی آنهم که فقط شامل خیاطی و صنایع دستی به شکل ابتدای و ساده بوده که تعداد مستفیدین آن در طی یکسال 2867 نفر میباشد که به تناسب نفوس ولایت غور خیلی کم و ناچیز است و تطبیق کننده آن موسسات داخلی و خارجی میباشد. باتاثر تافعال در حالیکه ملیونها دلار به مصرف رسیده و میرسد کدام پروژه حرفوی مشخص و موثر برای معلولین، بیوه زنان و محبوسین این ولایت در برنامه کاری موسسات وجود ندارد و از طرف دیگر تعهد و دلسوزی موسسات که بودجه و منابع پروژه های حرفوی در دسترس شان قرار دارد غرض حل مشکلات جامعه و شهروندان که از بیکاری رنج میبرند خیلی ضعیف میباشد و برخی موسسات خارجی در غور پروژه های حرفوی و صنایع دستی را بدون آنکه کدام نهاد دولتی مسوول را در زمینه تطبیق پروژه های حرفوی در جریان قرار دهند و هماهنگ سازند، خودسرانه عمل کرده و از اینکه کدام آدرس مشخص و معین در مورد بعضی پروژه ها وجود ندارد نظارت و کنترل اصلا از نحوه فعالیت اینگونه پروژه ها ی حرفوی صورت نمیگیرد و این قسم موسسات سهل انگارویی اعتنا باید شناسایی شده و مورد باز پرس قرار گیرد که آیا پروژه های روی دست شان واقعا برای جامعه موثر است؟ آیا پروژه های آنها تداوم وثمریت دارد یا خیر؟ و این باید برجسته گردد که موسسات واقعا برای مردم ماهی گرفتن را می آموزند و یا اینکه تنها ماهی میدهند. باتاسف نبود حرفه و کار در شهر روده این ولایت همواره وجود داشته که درآمد سالانه یک نفر ده نشین این ولایت در حد یکصد دلار امریکایی بیش نمیرسد زیرا اثر نبود بند برق و سرک های اساسی که رول عمده به تجارت و مصروفیت مردم با ایجاد فایریکات دارد عایدات مردم ناچیز نمیباشد. و به صنایع دستی مردم قرا و قصبات که در طول سال مصروف ساختن هستند بازاریابی وجود نداشته و گاهی به شکل سمبولیک از آن نام برده میشود در حالیکه یگانه راه کمک به اقتصاد خانواده های ده نشین توجه به رشد صنایع دستی آنان از قبیل فروش، حمایت و بازاریابی تولیدات دستی شان میباشد. در غیر آن کمک های بی برنامه موسسات نه تنها مشکل اقتصادی خانواده ها را حل نمیکند بلکه باعث تبیل ساختن مردم گردیده و در برخی موارد منجر به اختلافات ذات البینی نیز شده است.



سارارضائی

علم قدرت شکست ناپذیر، سرمایه جاویدانی و مهار ناشدنی برای هر کشور و ممالک محسوب می گردد. امروز ارزش و ماهیت علم مهم ترین نقش جهانی سازی را بازی می کند. که از آن جمله نمونه کوچک حاصل این علم را می توان به تسلیحات هسته ای "اتم" و همچنین تسخیر فضا، اشاره نمود که رقابت آنرا، تمام دنیا به نمایش گذاشته است.

اما این رقابت، قدرت های بزرگ جهانی؛ در رویایی کشور افغانستان هم قابل تصور نیست! و زمانی که بنیاد معارف اشتباه باشد "آنتوریکه می گویند"

خشت اگر اول نهاد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

با این وجود که در کابل معارف چهره مضحک دارد، چه انتظاری از ولایات داشته باشیم؟ بخصوص ولایت دور افتاده ای مثل: غور باستان که روزی سرزمین ادب، فرهنگ و هنر بوده است! اما امروز به کجا قدم می زند؟! آیا همان غور باستان است که زبان زد خاص و عام دوره ای خود بوده؟ و یا یک ولایت عقب نگهداشته شده، می باشد. هنگامی که از مکاتب شهر چنچران تا به ولسوالی ها و قریه ها سر می زنیم متوجه می شویم که تعداد کثیری از کودکان لاغر و رنگ و پریده با لباس های مندرس و کفشهای کهنه ای شان، فرسخ ها راه را می پیمایند؛ تا به جا و مکانی برسند که در لوحه های کلاسی نام مکتب حک شده است. و یا خیمه های پاره و فرسوده که در مجاور هم قرار گرفته تا اسم مکتب بالای آن قرار گیرد. یا نقطه ای از زمینی را که چند تخته ای در یک دشتی استوار گذاشته که فقط از همان تخته های سیاه می شود فهمید، که این جا هم مکتب می باشد که با تمام امکاناتش که عبارتند از دو تخته سیاه برای نوشتن می باشد، سیمای مکتب امروزی جامعه ما را بوجود آورده و یا اساس معارف، ساخت و ساز جامعه در داخل خانه های گیلی متروکه بنیاد گذاری می شود.

خیلی درد ناک است، که شاگردان بعد از پیمودن مسیر طولانی دو ساعته و یا بیشتر به مکتبی می رسند که نه مکانی برای بودن، نه چوکی برای نشستن، نه میزی برای نوشتن، نه آبی برای خوردن، نه فرشی برای نشستن، نه کتابی برای خواندن و نه آموزگار مسلکی به حیث معلم در آنجا مشاهده می شود، اما نام برای مکتب گفتن دارد!

ادامه در صفحه (3)

نقش مادر در تعلیم و تربیه اطفال

سارارضائی

بارز ترین و حساس ترین نقش تربیت اطفال، در کانون خانواده و سپس در محیط اجتماع شکل می گیرد؛ در کانون خانواده بخش عظیمی تربیتی به مادر بر می گردد؛ چراکه مظهر پرورش است و صفت الهی پروردن از جانب خدای خویش را به ودیعه دارد. این وجود سراسر نیاز خود نیازمندان را غنی می بخشد. آنان را به کمال معنوی سوق میدهد، تا با احاطه بر کلیات هستی و شناخت برهانی به مبدأ و غایت وجود دست یابند. آنانرا به جایگاهی می رسانند که جز قداست و پاکی چیزی دیگری نیست و حیرت انگیز است که این موجود ظریف چگونه می تواند جلوه و جمالی از حق و عامل تجلی صفات الهی در سائرین باشد؟

این رمز قدرت عظیم که در این وجود نهفته است چیست؟

اندیشه های والا و نگرش عمیق و دقیق، راز این حکمت را در قدرت پرورش و تعلیم می دانند که از دامن زن و بلکه از بطن او آغاز می گردد.

در مکتب قرآن، ابتدا انسانیت را بعد تذکیر را لازم می دانند، قرآن ابتدا تربیت را توصیه می نماید، تا تذکیر بر آن مقدور گردد. از آنجاییکه تربیت نفس از، رسالتش به عهده اولین مری حیات یعنی مادر اوست که وجود ناتوانی به امانت وی سپرده می شود تا به حول و قوه الهی وی را صاحب توان و قدرت نماید. البته بستگی دارد که این توانمندی در مسیر هدایت و یا ... رشد داده شود و مادر بیشترین نقش را در استقرار هریک از دو مسیر فوق در تکامل شخصیت انسان دارد و این نقش سازنده ای انسانی والا یعنی همان صاحب علم و تقواست.

بهترین محل تربیت کودک دامن پرمهر مادرش بوده که آموزش و پرورش از همان سرزمین دامن مادر سرچشمه می گیرد و ظهور و بروز استعداد های زیستی، فکری، عاطفی و اجتماعی وی تحت تأثیر گرمایی آغوش مادر بوده که آثار آن در تداوم بقا بشریت و نشئه روح باقی خواهد ماند.

و حال به بحثی می پردازیم که گرمایی آغوش مادر انرژی اش را از چه بدست می آورد.

مسئولیت های خطیر زن در امر انسان سازی و یا تخریب جامعه، همچنان بستگی به عوامل بیرونی و درونی ساختار جامعه از پیش ساخته دارد که اندیشه های توانا و بصیرت های همه جانبه را می طلبد تا مقاصد الهی و اهداف متعالی تحقق یابد.

چند اشاره کوچک بر ماهیت زندگی که در کشور ما افغانستان و ولایات آن مشهود است، می کنیم.

در افغانستان بافت اجتماعی زندگی مادران، بسیار پیچیده و بغرنج است. با تدابیر از قبل نسنجیده اجتماعی که نسبت به زندگی زنان و مادران همه روزه به وقوع می پیوندد فقر، عدم آگاهی از نوع مسئولیت خویش، خشونت های خانواده گی، خشونت های اجتماعی و ... که همه عوامل در ساختار کلی اجتماعی یک مادر و یا یک زن، به صورت طبیعی دست به دست هم داده و از آن پیکری را بوجود می آورد. حالا این پیکر خوش تراش باشد و یا دلخراش هر دو حالت سازنده ای دست جامعه ماست.

در خانواده های افغانستان: این مادر است که همراه فرزند یا فرزندان خود اوقات طولانی را سپری می نماید. همانطور که می دانیم، محبت نیاز فطرت هر انسان بوده که رفع این نیازمندی و عدم رفع این نیازمندی که از چشمه محبت آب می خورد آثار شگرفی از خود به جا می گذارد که در امر انسان سازی و تربیت نقش مهمی را ایفا می نماید و در نهایت شیرازه تربیت، محبت است. اگر یک طفل با محبت معقول پرورانیده نشود با کمبود محبت مواجه شده که در آینده با سنین مختلف گدای محبت می گردند و از نظر روانی به افراد که روی خوش نشان دهند، پناهنده می گردد تا کمبودات خویش را از آن طریق جبران کند که متأسفانه بهترین بستر برای شکار قاچاقچیان انسان و باند های مواد مخدر فراهم می گردد و نوجوانان و جوانان را خیلی زود به کام مرگ اعتیاد، فساد اخلاقی، جرم و جنایت های غیر قابل تصور دعوت می کند.

همانطور که قبلاً بیان شد، در هر کدام از دو راه هدایت و یا ضلالت مادر نقش خود را ایفا خواهد نمود اما توانمندی یک مادر در عرصه تربیت سالم، بر امور تربیتی دوره های مختلف سنی کودکش بستگی دارد به محیط زندگی، سلامتی جسمی، روحی و آگاهی یک مادر.

عوامل متعددی همانند فقر فرهنگی، رسوم و عنعنات ناپسند جامعه بخصوص در مورد زنان تأثیرات منفی خود را بالای ذهن و روح شان باقی گذاشته و زنی که با این معضلات مواجه باشد، طبیعتاً دل و دماغ تربیت فرزند خود را ندارد.

اینجاست که خشونت از فلتر ساختار اجتماع گذشته به زن، و از زن، به طفل می رسد. طفل نیز خشونت را آموخته و زمانی که به سن بلوغ می رسد به یک غول بی پروا و خارج از دنیای انسانیت، تبدیل می گردد. و از شرایط لازم و طبیعی زندگی بر خور دار نخواهد بود.

و یا جسماً مادری از بیماری مزمن و حاد رنج می برد که در مرور زمان تمام رشته های عصبی او را درگیر نموده، چنین مادری دیگر نمی تواند که لحظه ای پای حرفهای دل فرزند خود بنشیند و با حوصله به حرفهایش گوش داده و لحظه ای نگاه های گرم و مملو از محبتش را به چشمان فرزندش بدوزد این عکس العمل، در توان جسمی آن مادر رنجور نیست که فرزندش خوبی تربیت کند.

هنگامی که یک مادر از یک یا چند مشکل کلان در زندگی اش رنج می برد، جاری بودن رنج های مکرر در ذهن و مغزش که منجر به بیماری روانی افسردگی، آلزایمر (فراموشی)، شیزوفرنی (دو شخصیتی) که خودش را به جای دیگر تصور می کند، وسواس و منزوی و... می گردد که در این صورت توقع داشتن تربیت از چنین مادری منطقی به نظر نمی رسد.

اگر علم نیاز تربیت دهی است، در افغانستان عده ای کثیری از مردم بی سواد اند. چه رسد به مادران ما!!! که انسان های فراموش شده ای این سرزمین می باشند.

ادامه در صفحه سوم

بهترین بنده گان خداوند(ج)

زمان الدین حبیبی متعلم صنف دوازده

اسلام دین ترحم و عدالت است و در نزد خداوند(ج) نسب، نژاد و قومیت هیچ اهمیت ندارد. بدین اساس بعد از اینکه شمس تابان اسلام نمایان شد تغییراتی بزرگ اجتماعی و فرهنگی در سطح جهان رونما گردید. مردم واقشار مختلف جامعه فکرمیکنند که بهترین مردم کسانی اند که دارای نسب عالی یا قوماندان، وکیل و رئیس جمهور باشد در حالیکه اسلام، بهترین بودن انسانوفضیلت را به تقوا و پرهیزگاری دانسته و ارشاد میفرماید: ای مردم ماشمار از مادر و پدر آفریدیم و ملت و طائفه ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. اما بهترین شما در نزد پروردگار همانا پرهیزگارترین شماست.

یکی از ویژگی های مهم دین اسلام این است که رابطه برادری را میان مسلمانان که از قبایل مختلف هستند برقرار نموده و وحدت دینی را جانشین وحدت قومی کرده است.

مردم عزیز و جوانان با افتخار غور و باد نظر داشت فرموده خداوند(ج) و بخاطر ساختن جامعه سالم و سعادت مند ضرورت است که تقواری پیشه کرده و از تعصبات تباه کن مغایر اساسات اسلامی و انسانی به پرهیزیم تا استبداد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جامعه برچیده شده و بتوانیم مطابق ارزشهای دینی، وحدت و هماهنگی را به عنوان برادر اسلام (مومنین برادری یکدیگر اند) در سرزمین خود مستحکم ساخته و حق مسلم خود و فرزندان خویش را از هر مستبد تاریخ بگرییم و مظلومیت تاریخی را از بین به بریم.

و زندگی کردن در اختلافات قومی و منطقی مرگ تدرجی و نادانی بوده و به همین خاطر پیغمبر خدا تعصبات را منقود دانسته و فرموده است (از جمله مانیست کسی که دعوت به عصیبت میکند). یقیناً وقتی غزوات و پیمانها ی محمد(ص) را مطالعه میکنیم اینرا در میابیم که وحدت مسلمانان را از قبایل و طوایف مختلف بودند تامین کرده و پایه روابط آنها را بر اساس دین نهاد است.

با کمال تاسف امروز در جامعه ما خشونت ها به رنگ و شکل های گوناگون که باعث اختلافات قومی، زبانی و منطقی گردیده است وجود دارد که اصلاً سبب بدنام ساختن اسلام نیز شده است. به همین اساس غیبت، دروغگویی، فریب، مردم آزاری، حق تلفی و قتل و غارت نیز بدبختانه در جامعه ما موجود است در حالیکه اسلام تمام این اعمال را به شدت نکوهش کرده و مسلمانان را غرض ساختن جامعه سالم اسلامی و انسانی به ترحم، وحدت و همکاری امر کرده است زیرا بدون صداقت، تعاون و دستگیری یکدیگر صلح، اخوت و برادری در جامعه ناممکن و دشوار است و جوامع که به معراج عالی تمدن و عدالت رسیده اند همانا یکدیگر پذیرای و ترویج فرهنگ برادری و تعاون بوده است.

وضعیت معارف ...

از تمام قرأ و قصبات کودکان لاغر با جسم های نحیف و ضعیف شان بعد از پیمودن مسیر چند ساعته و پر از خارو خاشاک های کوه و دره، آفتاب داغ، بارندگی، سرما و گرما، بعد از رسیدن به چنین مکتبی، به جای می نشینند که فاقد سرپناه بوده و فرصتی گریزی از آماج خشونت های طبیعت برای شان باقی نمی ماند، به ناچار دوساعت درسی یا سه ساعت درسی شانرا با چنین شرایطی، سپری می نمایند و به روی زمین مرطوب یا سوزناک نشسته و کتاب های نامکمل و کهنه پاره ای خود را از خریطه های شان بیرون کرده روبه روی شان باز می نمایند و منتظرند تا معلم های شان چه وقت مسئولیت از صنوف دیگر تمام می شود تا به این صنف حضور رسانده و تدریس شانرا آغاز کنند. در حالیکه نه برای معلم و نه برای شاگرد توانمندی تعلیم و تعلم باقی می ماند تا ذهن کار کند و علم فرا گرفته شود. همه انرژی های شان تحلیل رفته و ساعت های از عمر گرانبهای خویش را به این ترتیب از دست می دهند؛ وقت بدون استفاده و لحظات برگشت ناپذیر را عقربه های ساعت با خود می برد. چیزی که بر جا باقی می ماند رنج پیاده روی ها، شکم گرسنه، خستگی مفرط، استیلاک یافتن لباس و کفش می باشد.

ما همه خوشحالییم که فرزندان ما درس می خوانند و در آینده، ما فرزندان تعلیم یافته را تحویل جامعه می دهیم؛ در حالیکه فرزندان ما در طول روز در معرض انواع و اقسام نور خورشید یعنی ماورأ بنفش، اشعه اکس و ... قرار گرفته سلامتی شان دستخوش بیماری های خطرناکی پوستی قرار خواهند گرفت. این حالت موجود نمونه ای از مکاتب ولایت غور است و همچنین ولایات دور افتاده و محروم دیگر...

در این ولایت فراموش شده در ابتدا مکاتب تعمیر ندارند؛ اگر مکتبی تعمیر دارد فرش، میز و چوکی ندارد. اگر این امکانات را هم داشته باشد معلمان مسلکی را ندارد و اگر هم حضور یگان تن معلم مسلکی به چشم بیاید، دیگر سیل از شاگردان در آن وادی (نسبتاً استاندارد) سرازیر شده که افزایش جمعیت شاگردان به هر صنف خود مانع درس مسلکی آن معلم شده که باز هم وقت تلفی بیش نیست.

اینجاست که جوانان فارغ شده از صنوف دوازده با یک دنیا آرمان و آرزو به امتحان کانکور شرکت نموده؛ اولاً جزء قبولی ها نیست؛ دوماً اگر قبول هم شود بعد از شش ماه و هفت ماه با شانه های آویزان و سر خمیده به سوی ولایت و خانواده های شان باز می گردند، ما و شما اطمینان داریم که جوانان و فرزندان این ولایت شایستگی لازم را دارند اما فقر اقتصادی، عدم موجودیت معارف قابل قبول و حداقل به نورم (استاندرد) افغانستان در ولایت غور موجود نبوده، اینجاست! که بنیه ضعف تحصیلی، حاصل 12 سال زحمت کشیدن، بیشتر گویایی حقیقت است.

آیا نمی شود گفت: که جوانان ما قربانی های این سیستم مریض است که افراد مغرض آنرا طراحی نموده و این نوع ساختار معلول را بوجود آورده اند.

نقش مادر در تعلیم و تربیت ...

بدترین عامل که در خراب کردن هر نوع تربیت اطفال موثر است، جنگ و نزاع خانوادگی می باشد. که روح و جسم يك کودک بي نوا را مغشوش ساخته و اعتبار محیط امن خانواده را از بین می برد و اگر این حالت استمرار یابد، کودکان از کانون خانواده خویش فراری شده و سر از باند ها و مافیایی مواد مخدر و... بیرون می آورند و يك مادري که به تکرار پیش چشمان فرزندان خود از سوي پدر و خسران خود توهين و تحقير شده و همیشه از کاسه بي احترامی آب خورده، چطور می تواند که بالاي تربیت فرزندان خود حاکم باشد. اگر يك مادر در امر متقاعد نمودن فرزند خود به قبول توصیه هایش، سماجت کند؛ نهایتاً جوابش آماده است، " اگر تو خیلی می فهمی پس چرا مورد لت و کوب، و با توهين و انتقاد قرار می گيري؟" و با بوجود آمدن این باور، حساس ترین رکن خانواده را که مادر است، می شکنند و توصیه های او دیگر خریداري ندارد.

در ابتدا يك مادر باید امنیت و آرامش خود را به دست بیاورد تا رسالت مقدس مادري و تربیتی اش را به شیوع درست انجام دهد. این توقعات از وظایف تربیتی مادران با موجودیت چنین شرایطی بسیار بالاست؛ با قیودات و ساختار ناسالم موجود که در محیط زندگی يك زن و مادر چهره نمایی می کند، این امر امکان پذیر نیست، آنوقت طبیعت است که رسالتش را در مقابل فرزند خانواده انجام می دهد؛ نه خواست يك مادر!!!

زندگی در مسیر کمال

سید عارف حسنی

طبیعیست هر انسان در ابتدای زنده گی مطابق به معیارهای موجود در خانواده و جامعه خود به نحوی، اندیشه و تفکر آن رشد میکند. خواه طبق دستورات شریعت اسلامی و یا خلاف آن عمل کند که تاثیر خاص خود را بر جا میگذاردند.

تاسف آور اینجاست که چرا ما افغانها در انحصارهای زنده گی به سر میبریم؟

البته علل های گوناگون مانع پیشرفت فکری و طرز زنده گی ما وجود دارد که از جمله آن احساس ناامیدی رانزربه شرایط موجوده در افکار خود جا داده ایم.

و این خود باعث عقب مانده گی بلکه ظلم در حق اولیه خود و همچنان به ملت و وطن خود نیز کرده ایم.

همین ناامیدی سبب شده ماوشما زیر اثر غربی هارفته و توان مقابله را در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از دست داده ایم، که حاکم نبودن اعتماد به نفس و ناامیدی رانشان میدهد. و ما افغانها چه باید بکنیم؟ تا از این بحران های جبران ناپذیرهای پیدا کنیم؟ بیشتر از همه جوانان باید امید موفقیت را در جامعه در چوکات اسلامی و ملی داشته باشند. زیرا همه ماوشما شاهد بدبختی ها ی حیرت انگیز در هر عرصه بوده ایم، مگر این لباس سیاه راجوانان افغانستان به گلستان درخشنده و شاداب تبدیل کنند. اندیشمندان و جوانان بایست حرکت کرده و همه مسائلیکه اختناق آور است از جامعه و مسیر راه خود برداشته و با زبردن ضعف ها و چالشها زندگی را به طرف خوشبختی و موفقیت سوق داده و سرنوشت خود و جامعه را به شکل اساسی و موثر رقم به زنند.

عامل ناامنی ها در غور کی و چیست؟

محمی الدین رسولی

در قدم اول عامل عمده ناامنی ها در غور متأسفانه ضعف عملکرد حکومت مداران در پیوند به مبارزه به بی عدالتی و نقض حقوق انسانی بوده که در نتیجه طالبان و طالب نماها جرئت ایجاد هراس و وحشت را در جامعه پیدا کرده و هر روز تلاش برای ناامنی و باج گیری از حکومت میکنند. و عوامل دیگر ناامنی ها در غور عدم موجودیت پولس ملی بوده و اکثر مردم به پولس غور که متشکل از چند قوم محدود میباشد و زیاد تر زیر اثر قوماندانان محلی غور قرار دارند اعتماد نداشته و حامی جان و مال خود نمی دانند. همچنان شواهد زیاد وجود دارد که برخی از ولسوالان مستقیماً عامل ناامنی ها از طریق داشتن روابط به طالبان و یا ایجاد گروه های مسلح بنام طالب هستند که اصلاً به فکر تطبیق برنامه های حکومتی نیستند قسمی بودجه، امکانات و موثر تر از دولت میگیرند و کار را به نفع مخالفین دولت انجام میدهند و زمامداران حکومتی غور به شمول مسئولین پولس از اینگونه سیاست های دوپهل و نادرست و غیر قانونی با خبر هستند ولی با زهم خود را به کوچه حسن چپ زده و نادیده میگیرند در حالیکه باید با این قسم افراد که به لباس دوست حکومت باعث تباهی، بدنامی حکومت و ناامنی ولایت و ولسوالی هامیشوند بر خورد جدی و قانونی صورت گرفته و از وظیفه برکنار و تعقیب عدلی گردند تا مخربین از جامعه کم شده و با تأمین امنیت عبرت برای سایر افراد دشمن عدالت و قانونیت شود.

ناگفته نباید گذاشت که قوماندانان محلی و تفنگ سالاران که سالها از تطبیق قانونیت و عدالت هراس داشتند از اثر سیاست نادرست و مصلحتی مسئولین حکومتی و امنیتی غور دوباره تجهیز و تقویه شده اند که در صورت عدم پرداخت باج که با تاسف توسط مسئولین همواره برای شان پرداخته شده است دست به ناامنی و بی نظمی زده و حکومت را بدون کدام ترس هشدار میدهند و مسوولین از بی کفایتی در حالیکه همه امکانات و توانمندی را در مبارزه با زورمندان و تفنگداران غیر مسوول و غیر قانونی دارند، حيله گرانه برخورد کرده و بعضی مشکلات ناامنی و اجتماعی در عوض اینکه از مجرا قانونی حل گردد از طریق اربابی مرفوع ساخته میشود که نه تنها پیامد موثر و مثبت نداشته حتی زمینه رشد ناامنی ها و بوجود آمدن تفنگسالاران زیاد تر گردیده است.

همه عوامل مختلف ذکر شده دست به دست هم داده بالاخره سبب وخیم شدن اوضاع امنیتی در سطح ولسوالی ها و قریه جات گردیده که منتج به کشیده شدن ناامنی ها در داخل شهر چغچران شده است و هیچکس اعتماد به اوضاع امنیتی ندارد و تسلط دولت بخاطر تطبیق عدالت و حاکمیت قانون فقط محصور به ساحه ادارات دولتی باقیمانده و خارج از شهر شهامت تحکیم قانون و دستگیری مجرمین از دست دولت ربوده شده است و حدس زده میشود که بیش از هفتاد فیصد مناطق غور ناامن و متشنج میباشد. بدین اساس تا زمانی عدالت و قانونیت تحکیم نگردد، پولس در مرکز و ولسوالی ها ملی نشود، تفنگ از دست زورمندان گرفته نشود، ولسوال های بی کفایت و همکار طالب از وظیفه برکنار و در عوض آنها اشخاص صادق و متعهد به ولسوالی ها گماشته نشود دولت بیش از همه ملامت و مقصر بوده و وضعیت از این حالت بدتر و خراب تر گردیده و شهروندان قربانی اهداف شوم ظالمین و قانونشکنان خواهد شد.

چکیده اخبار غور

خرید و فروش رای خیانت بزرگ دینی و ملی است!

محمد بلال امیری

مشتریان و فروشنده گان رای باید بدانند که خیانت برامانت الهی واراده شهروندان و ملت عواقب دردناک اخروي و دنیوي را درقبال دارد ! این ملت بعد از دردها ورنج ها ي فراوان انتخابات رابخاطر تحکیم صلح و عدالت یگانه راه نجات از خونریزي ها و بحرانهاي اقتصادي، فرهنگي و اجتماعي و بي عدالتي فکرمیکردند که متأسفانه این سرزمین به بادمسخره و معامله گرفته شده کاران ،قانون شکنان و دشمنان این سرزمین به بادمسخره و معامله گرفته شده و به بازارسیاه که تحت نام انتخابات توسطه مصرف میاردها پول از سرمایه ملت برگزاري میگردد و بجزاز زورمندان و تفنگداران کس دیگر حق تصمیم گیری را درمورد انتخاب کردن نداردیکبار دیگر براراده واقعي ملت پشت پازده شده و به عزت و وقار این وطن بازم از طریق به صحنه آمدن افراد منفور که توسط پول خون ملت، رای ملت را از آن خود ساخته اند بزرگترین جفا و ضربه وارد میشود . این آقای که توسط معامله و خرید رای مردم به مجلس نمایندگان راه پیدامیکند یقیناً در عوض ساختن جامعه سالم به فکر معامله و جبران پول مصرف شده خود بیشتر خواهد بود.

و همین وکیل مشرتري و متقلب رای مردم شاید در بدل پول نیز رای اعتماد خویش را به وزیر مشرتري و معامله گر بدهد که عواقب این معامله رای در بدل پول تا پنج سال دیگر از طریق پارلمان مانند مرض ساري به بدنه وزارت خانه ها و تا قدمه هاي پائین آن جریان خواهد یافت که سرنوشت ملت و وطن بوسیله فساد و سواستفاده ها به طرف بحران رفته و هیچگاه عدالت اجتماعي ، صلح ، امنیت و بازسازي واقعي در جامعه تطبیق نمیشود و بالاخره این وطن درگیر و گروپ هاي مافیای قرار گرفته که بجز از راه اندازی يك انقلاب جدید راه دیگری باقی نخواهد ماند. صراحتاً باید گفت که جریان برگزاري انتخابات که مملو از تقلب ، فشار ، تهدید و خرید رای مردم بود نشان میدهد که پیامد ها ي منفي انتخابات نسبت به پیامد هاي مثبت آن چندین برابر بوده و بجز اینکه انتخابات بدنام شود و مردم اعتماد خود را بر این انتخابات از دست دهد دستاورد دیگری وجود ندارد. سهل انگاري دولت در مورد تطبیق قانونیت و مغلوبیت روز افزون زورمندان سبب خواهد شد که در انتخابات هاي بعدي فقط زورمند ان به تنهایی بجاي هزارها نفر تصمیم گرفته و متقلبانه کاندید مورد نظر خویش را موفق ساخته و به پارلمان روان کند.

و در آینده در صورتیکه به همین منوال انتخابات برگزار گردد مطمئناً دویصد از وکلای پارلمان قلدان ، پولداران و تفنگسالاران خواهد بود که حرفي از دموکراسي، آزادي بيان ، ساختن قانون و تامین عدالت اجتماعي به زبان ها نخواهد آمد . و فکر میکنم زمامداران فعلي امور حکومت که در آینده تصمیم ها ي را بخاطر آمدن در صحنه سياسي کشور نیز زوروي دست دارند شاید قصداً اوضاع را متشنج سازند تا به سود خویش بوسیله گروپ هاي مخرب بهره گیرند (آب را گل آلود کرده و ماهي بگیرند) اگر ملت خودبیدار ، هوشیار و محق نباشد احتمال بوجود آمدن هر نوع خطرات اجتماعي و ملی در آینده متصور است که این همه فرصت ها به هدر رفته و به جز از ندامت و افسوس چیزی دیگری باقی نخواهد ماند پس باید از هر سرگذشت يك پند گرفته شود تا در سایه آن تصمیم سازنده و معقول انسانی بخاطر ساختن جامعه مرفه و سعادت مند گرفته شده و از همه این بلايا و مصائب شهروندان و ملت در دیده ورنج کشیده نجات پیدانماید. و دولت در مورد مبارزه فعالانه مقابل هرگونه تقلب و تخلف مسئولیت ملي ، اسلامي و انسانی دارد تا جهت ایجاد فضائي انسانی ، مطمئن و قانوني بیدریغانه حرکت و فعالیت نماید.

❖ به تاریخ 12 نوامبر سال 2008 وزارت خارجه جمهوری لتوانیا همرای وزارت مالیه و وزارت فواید عامه افغانستان قرارداد را به خاطر آسفالت سرک چغچران به امضا رسانیده اند.

طبق این قرارداد سه جانبه دولت لتوانیا تقریباً 400000 هزار دالر آمریکائی را به وزارت مالیه افغانستان در سال 2008 تسلیم کرده است بر علاوه جمهوری لتوانیا نقشه توپوگرافی سرک را آماده کرده اند. در سال 2009 دولت جمهوری اسلامی افغانستان یک میلیون دالر آمریکائی را برای پروژه اختصاص داد. مسئولیت و کنترل از کار بدوش وزارت فواید عامه افغانستان میباشد. به اساس این قرارداد و بعد از اختصاص بودجه توسط حکومت افغانستان وزارت فواید عامه افغانستان کار آسفالت 2.2 کیلومتر سرک را به عهده گرفت.

دولت لتوانیا حق ندارد که از پیشرفت پروژه کنترل به عمل آورد لکن میتواند در باره کار انجام شده گزارش دریافت نماید مطابق این گزارش ها نمایندگان لتوانیا امکانات را به وزارت فواید عامه افغانستان بخاطر استفاده درست از بودجه و تطبیق کار سرک به شکل درست آن تسلیم داده و مهیامیسانند.

در ختم پروژه وزارت مالیه و وزارت فواید عامه افغانستان در باره ختم پروژه به دولت جمهوری لتوانیا باید گزارش دهند.



❖ اعتصاب و راه پیمای سه روزه اصناف شهر و مردم غور بخاطر آسفالت باقیمانده سرک شهر چغچران بر اساس اطمینانیه هیات بلند پایه اعزامی کابل همراه بادست آورد انجام یافت. در مورد خواسته های برحق مردم و اعتصاب کننده گان معین وزارت فواید عامه و تیم هیئت معیتی شان و عده سپردند که کاریاکی مانده سرک را بزودی شروع کرده و سایر مشکلات و پیشنهادات رانیز به مراجع ذیربط میرسانند. سلطان محمدیکن از بزرگان اصناف شهر گفتند در صورتیکه و عده های داده شده عملی نگردد دوکانداران ، اهل کسبه و مردم حاضر به مظاهره و اعتصاب جدی دوباره غرض اخذ حقوق خویش هستند.

❖ محفل بزرگی غرض توزیع تصدیقنامه های اولین فارغان کورس مقدماتی شاگردان سارندوی پرورشگاه به ابتکار ریاست کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین غور و موسسه پارسا در سالون کنفرانس های ریاست اطلاعات و فرهنگ به اشتراک روسای ادارات دولتی ، نماینده گان جامعه مدنی ، نماینده گان موسسات و شاگردان روزنتون و مکاتب برگزار گردید .

❖ یک نفر از باشندگان ولسوالی پسابند در مسیر راه ولسوالی پسابند و تیوره بدون کدام جرم از طرف افراد مسلح ناشناس به شهادت رسیده است ولی تاحال عاملین شناخته نشده است و قضیه تحت تعقیب و بررسی قرار دارد.

❖ دوتن از سربازان PRT در داخل شهر چغچران مورد حمله قرار گرفته و به گفته مسئولین پی آرتی هردوتن مجروح گردیده اند و تحت تدای قرار دارند و عامل قضیه تاکنون دست گیر نگردیده است .

❖ اولین روند کمپاین ملی واکسیناسیون ضد فلج اطفال طی یک محفل بزرگ که در محوطه شفاخانه ولایتی تدویر یافته بود با یکاندن دو قطره واکسین توسط نماینده مقام ولایت (آقای یعقوبی) و رئیس صحت عامه افتتاح و آغاز گردید و از طریق این محفل سخنرانان از مردم و شهروندان غور خواستند که در ایام کمپاین اطفال کمتر از پنج سال را در خانه های خویش غرض واکسین نمودن نگهدارند تا واکسین نمانند.

گزارشگر تیمور شاه احمدی

شهر وندان عزیز!

❖ مقالات چاپ شده فقط نظریات

نویسنده گان است نه از جام

❖ ماهنامه جام درویرایش خود را محق

میداند.

❖ مطالب ارسال شده مسترد نمیگردد.

❖ نظریات و پیشنهادات سازنده شما راه

کشای راه ما ست .

❖ از همکاران قلمی که مطالب خود را

به ما ارسال کرده اند سپاسگزاریم

(ورژ ماقامه جم)

مدیر مسئول: حامدالله دادفر

dadfar.h@gmail.com-- 0797031516

سردبیر: گل احمد عثمانی

osmany786@gmail.com--0797026508

معاون سردبیر: برهان الدین علوی

ویراستار: فضل احمد امینی

گزارشگران: تیمور شاه احمدی (0797185069).

طرح: خان محمد سیلاب

هیات تحریر: استاد فایق عبدالستار سنجر، استاد محبوبی

تیراژ: 1000

آدرس دفتر: ولایت غور مرکز چغچران